نجات ۳۰ نفر از میان آتش و دود

آتش‌سوزی ساختمان تجاری در بازار تهران به گرفتار شدن ۳۰ نفر در میان آتش و دود منجر شد که آتش‌نشانان آنها را نجات دادند.

به گزارش جام‌جم، ساعت ۱۶ و ۲۷ دقیقه ۱۷ مرداد امسال، وقوع آتش‌سوزی در ساختمان تجاری بازار سید ولی تهران به آتش‌نشانی گزارش شد. آتش‌نشانان چهار ایستگاه برای امدادرسانی آنجا حاضر شدند. محل آتش‌سوزی ساختمان سه طبقه تجاری با ده‌ها مغازه بوده که بیشتر در زمینه منسوجات چرمی مانند کیف، کفش و پوشاك فعالیت داشته است. حجم زیادی اجناس داخل مغازه‌ها و حتی راهروها وجود داشت که باعث شده بود تعدادی از کارگران به دلیل دود و شعله آتش گرفتار و نتوانند از آنجا خارج شوند. گروهی از آتش‌نشانان به خاموش کردن شعله‌های آتش پرداختند و گروهی دیگر بیش از ۳۰ نفر از کارگران محبوس شده را در حالی نجات دادند که دو نفر از کارگران دچار سوختگی سطحی شده بودند. در ادامه این عملیات شعله‌های آتش را آتش‌نشانان خاموش کردند و حادثه کشته‌ای در برنداشت.

راز قتل پیرمرد پولدار در اثر انگشت دزد سابقه‌دار

گروه حوادث

اثر انگشت به‌جا مانده از دزد حرفه‌ای خانه‌ها، پای او و دوستانش را به پرونده قتل پیرمرد باز کرد. متهمان ادعا می‌کنند، وقتی برای سرقت وارد خانه پیرمرد شده بودند، با جسدش روبه‌رو شدند. به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، چندی پیش مردی با حضور در پلیس آگاهی تهران شکایتی مطرح کرد مبنی براین‌که زمانی که همراه اعضای خانواده‌اش از سفر به خانه‌شان در شمال تهران بازگشته‌اند متوجه تخریب قفل در آپارتمان و به‌هم‌ریختگی آنجا و سرقت پول، دلار و طلا به ارزش ۳۰۰ میلیون تومان شده است. پرونده‌ای در این باره تشکیل و تحقیقات پلیسی برای شناسایی سارقان آغاز شد. در حالی که ماموران در جست‌وجوی سارقان این خانه و کشف اموال دزدی بودند، افراد دیگری که ساکن محله‌های شمال تهران بودند نیز با حضور در پلیس آگاهی شکایت‌هایی را مطرح کردند که نشان می‌داد، خانه‌های این افراد که برخی ویلایی و برخی آپارتمان بوده نیز مورد دستبرد قرار گرفته است. زمانی که ماموران محل‌های سرقت را مورد بررسی قرار دادند، متوجه شدند شیوه همه سرقت‌ها یکی بوده و سارقان شبانه از طریق تراس یا تخریب پنجره وارد خانه آنها شده و به سرقت دست زده‌اند. تحقیقات در این‌باره ادامه داشت تا این‌که چند هفته پیش دو نفر از شاکیان با حضور در پلیس آگاهی، اطلاعات جدیدی را در اختیار ماموران قرار دادند که نشان می‌داد برخی از اموال قیمتی و طلاهایی را که از خانه‌هایشان سرقت شده، دیده‌اند که در یك حراجی اینترنتی در اینستاگرام در حال فروش است. با کشف این سرنخ، روند رسیدگی به پرونده وارد مرحله جدیدی شد. ماموران در جریان تحقیقات توانستند مسؤول حراج اینترنتی را شناسایی و بازداشت کنند. متهم با انتقال به پلیس آگاهی بازجویی شد و ابتدا مدعی بود که این اموال را امانتی از دوستانش گرفته و برای این‌که پولی از این راه به دست آورد تصمیم به فروش اموال از طریق حراجی اینترنتی گرفته و نمی‌دانسته که اموال سرقتی است. با توجه به اظهارات ضد و نقیض این متهم ماموران درباره سوابق کیفری وی تحقیق کردند که معلوم شد او یك دزد سابقه دار است که چند بار به اتهام سرقت خانه‌ها دستگیر شده است. همزمان با فاش شدن این ماجرا او به همدستی در سرقت‌های سریالی خانه‌ها اعتراف کرد. در جریان تحقیقات رد دو دزد سابقه‌دار دیگر در این پرونده به دست آمد. این دو نفر نیز بازجویی شدند و اعتراف کردند که از یك سال پیش به خانه‌های مردم در شمال پایتخت دستبرد می‌زنند. در حالی که تحقیقات از متهمان سابقه‌دار در این پرونده ادامه داشت ماموران به سرنخ‌هایی جدیدی دست یافتند که نشان می‌داد اثر انگشت یکی از این سارقان به نام شهروز در خانه ویلایی در شمال تهران کشف شده بود. زمستان سال گذشته مرد سالخورده‌ای به‌طور مشکوکی در این خانه فوت شده و به نظر می‌رسید به قتل رسیده باشد. بنابراین ماموران به تحقیق از شهروز ادامه دادند و او مدعی بود که پیرمرد را نمی‌شناسد و برای سرقت به خانه او نرفته است، اما در ادامه سکوتش را شکست و اعتراف کرد که از ماجرای قتل مرد سالخورده خبر ندارد، اما از خانه وی سرقت کرده است. شهروز به افسر تحقیق گفت: من و دو همدستم که بازداشت شده‌ایم همگی خلافکاریم و سابقه سرقت از خانه‌ها را داریم. با تردد در محله‌های شمال تهران، زنگ در خانه‌ها. که ویلایی یا آپارتمانی بود. را می‌زدیم، اگر پاسخ‌مان را می‌دادند از سرقت منصرف می‌شدیم در غیر این صورت از تراس و پنجره وارد می‌شدیم. در هر سرقت یکی در خیابان کشیك می‌داد و دو نفر دیگر اموال قیمتی را سرقت می‌کردند. گاهی اگر قفل گاوصندوق‌ها باز می‌شد محتویات آن را می‌بردیم در غیر این صورت خود گاوصندوق را می‌بردیم. یك روز وارد خانه‌ای شدیم که در ورودی ساختمان خراب بود. شروع به جمع کردن وسایل قیمتی کردیم. وقتی وارد اتاق خواب شدیم، با صحنه عجیبی روبه‌رو شدیم. پیرمردی با صورت خونین روی تخت خوابیده بود. حدود یك میلیارد تومان اموال قیمتی از این خانه سرقت کرده و فرار کردیم. ما پیرمرد را نکشتیم و قبل از ورود ما به خانه او مرده بود. این در حالی بود که دو متهم دیگر پرونده نیز گفته‌های او را تایید کردند و گفتند در ماجرای قتل پیرمرد نقشی نداشته‌اند. متهمان در بازداشت به سر می‌برند و تحقیقات برای رازگشایی از قتل پیرمرد ادامه دارد.

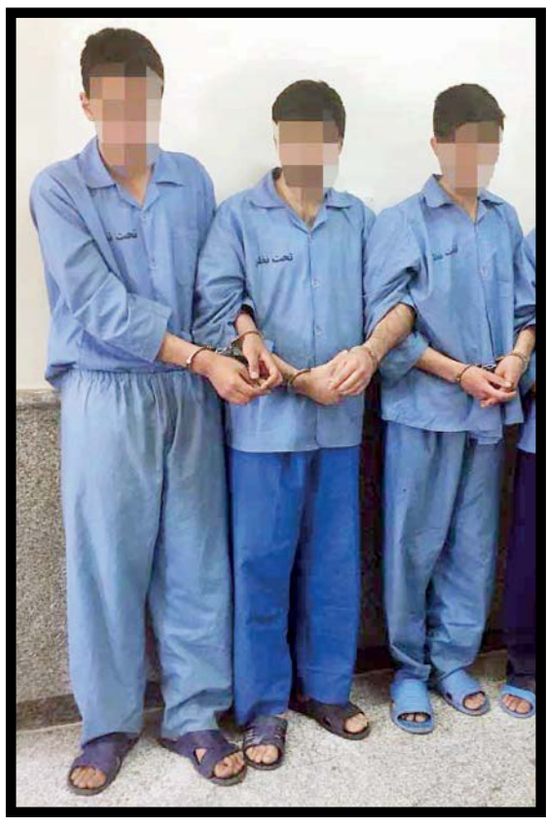

متهمان منکر جنایت شدند و گفتند فقط یک میلیارد تومان اموال مقتول را دزدیدند

پس از ۱۱ ساعت عملیات پیکر ۳ کارگر از زیر خروارها خاک خارج شد

آوار مرگ بر سر کارگران

همزمان با ریزش آوار ساختمان سه طبقه در حال احداث خیابان شهید دستگردی پس از ۱۱ ساعت عملیات امداد و نجات، آتش‌نشانان جسد سه کارگر را از زیر آوار بیرون آوردند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۱۶ و ۵۸ دقیقه ظهر پنجشنبه ۱۷ مرداد امسال، وقوع تخریب ساختمانی در حال احداث در خیابان شهید دستگردی (ظفر) به سامانه ۱۲۵ آتش‌نشانی گزارش شد. آتش‌نشانان سه ایستگاه همراه جرثقیل خودرو، پشتیبانی به محل حادثه اعزام شدند.

همچنین عوامل شهرداری، ستاد بحران و هلال احمر نیز برای امدادرسانی و بررسی موضوع در محل حاضر شده بودند. بررسی‌های اولیه آتش‌نشانان در محل حادثه نشان می‌داد که ساختمان سه طبقه قدیمی و در حال تخریب برای احداث است. همچنین کارگران در بخش جنوب‌شرقی این ساختمان کار می‌کردند که ناگهان بخش فوق تخریب شده و کارگران زیر آوار محبوس شدند.

تیم‌های امداد و نجات آتش‌نشانی در همان اوایل انجام عملیات توانستند یکی از کارگران را که زنده مانده بود، از زیر آوار خارج کنند. این کارگر به امدادگران گفت، در محلی که حادثه آوار رخ داده، سه کارگر دیگر محبوس شده و زیر آوار گرفتار شده‌اند.

برای کمك به نجات کارگران محبوس شده زیر آوار، دو تیم واکنش سریع، سه تیم سگ‌های زنده‌یاب و یك تیم آوار از هلال احمر نیز برای امدادرسانی در آنجا حاضر شد. این تلاش‌ها و آواربرداری‌ها ادامه داشت تا این‌که ساعت ۲۳ و ۱۵ دقیقه پنجشنبه‌شب بخشی از بدن یکی از کارگران محبوس شده از زیر آوار کشف و او بیرون آورده شده، اما زمانی که امدادگران اورژانس وضعیت او را بررسی کردند، گفتند که او به‌دلیل شدت صدمات وارده، فوت شده است.

اما عملیات امدادگران و آتش‌نشانان برای یافتن سرنوشت دوکارگر دیگر ادامه داشت تا این‌که ساعت ۲ بامداد جمعه ۱۸ مرداد امسال پیکر دومین کارگر که او نیز فوت شده بود از زیر آوار کشف شد.

آتش‌نشانان همچنان به عملیات آواربرداری و جست‌وجوها ادامه دادند تا سرانجام جسد سومین کارگر را هم ساعت ۳ و ۵۰ دقیقه بامداد جمعه یافتند.

جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران در این‌باره گفت: حجم آوار ناشی از ریزش این ساختمان قدیمی بسیار زیاد بود و با توجه به سست بودن بنا، آتش‌نشانان با احتیاط کامل دست به این آواربرداری زدند. اجساد سه کارگر با هماهنگی قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد. این عملیات حدود ساعت ۴ بامداد پس از جست‌وجوی نهایی و اطمینان از نبود وجود شخص دیگر زیر آوار پایان یافت و آتش‌نشانان محل حادثه را به عوامل انتظامی تحویل دادند.

در خواست قاتل از دادگاه برای تعیین تکلیف

۱۰ سال کابوس اعدام می‌بینم

پسر جوان پس از اعدام همدستش و ده سال بعد از جنایتی که رقم زده بود از قضات دادگاه خواست براساس قانون تکلیف وی روشن شود. این متهم گفت از این وضعیت خسته شده و هر شب کابوس اعدام می‌بیند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از ده سال قبل و از ۹ اردیبهشت ۸۸ به‌دنبال ناپدید شدن پسر ۲۵ ساله‌ای به نام مجید در دستور کار پلیس قرار گرفت.

پدر وی که به پلیس آگاهی رفته بود به ماموران گفت: من و همسرم در تبریز زندگی می‌کنیم. پسرمان مدتی است به اسلامشهر آمده و در آنجا مشغول به کار شده و به‌تازگی یك پراید خریده است. چند روزی است که هر چه با پسرم تماس می‌گیریم هیچ خبری از او نیست و پاسخ نمی‌دهد. به محل زندگی پسرمان رفتیم و هیچ ردی از او به دست نیاوردیم. می‌ترسیم بلایی سرش آمده باشد.

با اطلاعاتی که این مرد به پلیس داد تحقیقات برای افشای راز ناپدید شدن مجید آغاز شد. پلیس در نخستین گام از بررسی‌ها به ردیابی خودروی مجید پرداخت و دریافت چند روز قبل دو پسر جوان، سوار بر پراید مجید به یك جایگاه سوخت‌گیری رفته و بنزین زده‌اند. آنها بازداشت شدند و ادعا کردند از سرنوشت مجید هیچ اطلاعی ندارند. اما وقتی در بن‌بست اطلاعاتی گرفتار شدند به قتل مجید و سرقت پراید وی با انگیزه اختلاف حساب مالی اعتراف کردند. محمد گفت: من و ایمان پنج میلیون تومان از مجید طلب داشتیم. چند بار از او خواسته بودیم پولمان را پس دهد، اما قبول نمی‌کرد. به همین خاطر آخرین بار سوار ماشین او شدیم و به حاشیه اسلامشهر رفتیم. ما می‌خواستیم او را بترسانیم تا پولمان را پس دهد، اما با هم درگیر شدیم و من در یك لحظه زنجیری را که همراه داشتم دور گردن مجید پیچیدم و آن را فشار دادم تا این‌که خفه شد. سپس برای از بین بردن همه مدارك، جسد او را آتش زدیم و فرار کردیم.

ایمان نیز معاونت در قتل را گردن گرفت و ادعا کرد دستی در آتش زدن جنازه نداشته است.

با اعترافات دو متهم، پدر مجید منکر ادعای آنها شد و گفت: پسرم گفته بود دو نفر از دوستانش مدتی است از او خواسته‌اند پنج میلیون تومان پول به آنها قرض بدهد. من به پسرم گفته بودم پول را به دوستانش ندهد و احتمالا محمد و ایمان هم به همین خاطر پسرم را کشتند اما حالا ادعا می‌کنند از پسرم پول طلب داشته‌اند.

در حالی که تحقیقات پلیسی ادامه داشت روشن شد ایمان که پسر شروری است سال‌ها قبل نیز دست به جنایتی خاموش زده و یکی از دوستانش را با ضربه‌های چاقو کشته است. با افشای این ماجرا پرونده قتلی که ایمان رقم زده بود نیز به جریان افتاد و ایمان در دادگاه محاکمه و به خاطر قتل دوستش به قصاص محکوم شد. محمد و ایمان نیز به‌خاطر قتل مجید محاکمه شدند و قضات دادگاه محمد را به قصاص و ایمان را به زندان محکوم کردند. در حالی که حکم آنها در دیوان عالی کشور تایید شده بود محمد سعی کرد رضایت اولیای دم را جلب کند. وی با پرداخت ۳۰ میلیون تومان به مادر مجید رضایت او را گرفت اما پدر مجید برای اجرای حکم قصاص اصرار داشت. تلاش محمد و خانواده‌اش برای جلب رضایت پدر مجید ادامه داشت تا این‌که چند ماه قبل ایمان به خاطر قتل دوستش اعدام و پرونده زندگی او برای همیشه بسته شد.

در این میان محمد که ده سال در زندان مانده بود درخواست تعیین تکلیف را مطرح و از قضات دادگاه کمك خواست. به این ترتیب طبق ماده ۴۲۹ قانون مجازات اسلامی در شعبه چهارم دادگاه کیفری یك استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

در ابتدای این جلسه محمد گفت: ما اشتباه کردیم که ده سال قبل مجید را به‌خاطر اختلاف حساب پنج میلیون تومانی کشتیم. من آن روز کنترل اعصابم را در یك لحظه از دست دادم و مجید را خفه کردم. حرف‌های ایمان هم باعث شد دست به چنین کاری بزنم و حالا خیلی پشیمانم.

وی ادامه داد: وقتی بازداشت شدم ۲۳ ساله بودم اما حالا ۳۳ سال سن دارم. در این مدت و با پرداخت ۳۰ میلیون تومان به مادر مجید توانستم رضایت او را جلب کنم اما پدر او حاضر به گذشت نیست. او می‌گوید ۳۰ میلیون تومان مبلغ کمی است که مادر مجید با دریافت آن حاضر به رضایت شده است. حالا اگر قرار باشد حکم اعدامم اجرا شود پدر مجید باید تفاضل دیه را به همسرش بدهد و توان پرداخت آن را هم ندارد. به خاطر همین ناهماهنگی میان پدر و مادر مجید است که در این سال‌ها نتوانستم رضایت آنها را بگیرم و در زندان بلاتکلیف مانده‌ام.

وی گفت: از وقتی ایمان اعدام شده دیگر خواب ندارم و هر شب کابوس اعدام می‌بینم. من از این وضعیت خسته شده‌ام و از قضات دادگاه تقاضا دارم تکلیفم را روشن کنند. حاضرم زودتر اعدام شوم یا این‌که پدر مجید با دریافت مبلغی حاضر به گذشت شود. به همین خاطر از قضات دادگاه تقاضای کمك دارم.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا درباره این پرونده حکم صادر کنند.

متهم: دوستمان را به‌خاطر اختلاف ۵ میلیون تومانی کشتیم

بازداشت شوهر بعد از ماه عسل مرگ

نوعروس جوان زمانی که از ماه عسل گرجستان به خانه‌اش در تهران بازگشت به طور مشکوکی فوت شد و شوهر او به عنوان تنها مظنون بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۱۳ پنجشنبه ۱۷ مرداد امسال، یکی از ماموران کلانتری شهرزیبا در تماس با بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران او را در جریان مرگ مشکوك نوعروس جوانی در خانه‌اش در یکی از محله‌های شمال غرب تهران قرار داد. در ادامه با دستور قضایی تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی موضوع در محل حاضر شدند. در جریان تحقیقات اولیه پلیسی معلوم شد آثار ضرب و جرح روی جسد وجود دارد. جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و شوهر ۳۹ ساله او به‌عنوان تنها مظنون در این پرونده بازداشت شد و به افسر تحقیق گفت: من و همسرم ده سال با هم همکار بودیم. بعد به هم علاقه‌مند شدیم و از او خواستگاری کردم که قبول کرد. یك هفته است که با هم ازدواج کرده‌ایم و ماه عسل به گرجستان رفتیم. بعد از پایان سفر به خانه‌مان بازگشتیم و حتی می‌خواستیم به‌زودی آنجا را هم بازسازی کنیم.

وی افزود: همسرم به سرویس بهداشتی رفته بود که ناگهان صدای افتادن او روی زمین را شنیدم. سراسیمه بالای سرش رفتم که دیدم سرش به شیر آب برخورد کرده و بی‌هوش روی کف توالت افتاده است. او را بیرون آوردم و با اورژانس تماس گرفتم. زمانی که آنها آمدند و وضعیت او را بررسی کردند گفتند او فوت شده است.

سرهنگ سرافراز احمدی، رئیس کلانتری شهرزیبا در این باره گفت: با توجه به اظهارات تنها مظنون پرونده او در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات تکمیلی از وی در پلیس آگاهی ادامه دارد تا راز مرگ مشکوك فاش شود.

تلنگر

مرد نگهبان زندگی بخشید

خانواده مرد افغان که در جریان درگیری کارخانه سنگبری، مرگ مغزی شده بود، اعضای بدن او را اهدا کردند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۲۰ شامگاه چهارشنبه ۱۶ مرداد امسال، مردی با کلانتری حسن‌آباد تهران تماس گرفت و از درگیری خونین مرد میانسالی در کارخانه سنگبری در محدوده حسن‌آباد خبر داد. ماموران کلانتری برای بررسی موضوع آنجا حاضر شدند و مشاهده کردند مرد ۴۸ ساله افغان که نگهبان کارخانه بوده بر اثر اصابت ضربه‌های چاقو زخمی و بعد از انتقال به بیمارستان شهدای هفتم تیر مرگ مغزی شده است. سرهنگ سیدجلال حسینی، رئیس کلانتری حسن‌آباد در این باره گفت: در بازبینی فیلم دوربین مداربسته محل حادثه هویت قاتل که نگهبان ۵۵ ساله دیگری بود شناسایی و او ۲ ساعت بعد در خانه‌اش دستگیر شد. در ادامه خانواده مقتول در اقدامی خداپسندانه اعضای بدن او را به بیماران اهدا کردند.

اخاذی ۱۲ میلیون تومانی

مردی که بعد از انتقال غیرقانونی خانواده افغان به تهران، آنها را ربوده بود تا در قبال آزادی‌شان ۱۲ میلیون تومان پول بگیرد، بازداشت شد. به گزارش جام‌جم، ساعت ۱۱ صبح ۱۷ مرداد امسال مرد تبعه افغان با حضور در کلانتری سیزده آبان شکایتی مطرح کرد مبنی بر این که پنج نفر از اعضای خانواده‌اش از جمله والدین، برادر و خواهران او ربوده شده‌اند. با تحقیق از او معلوم شد که مردی در نقطه صفر مرزی افغانستان و ایران ۱۲ میلیون تومان پول برای انتقال خانواده وی به تهران دریافت کرده است، اما بعد از آمدن خانواده‌اش به ایران، قاچاقچی انسان آنها را به خانه‌ای منتقل کرده و به گروگان گرفته و در قبال آزادی آنها ۱۲ میلیون تومان پول دیگر می‌خواهد. پرونده‌ای در این‌باره در کلانتری تشکیل و تحقیقات آغاز شد و در ادامه متهم دستگیر و گروگان‌ها آزاد شدند.

مرگ دانش‌آموز با عمل جراحی

دختر دانش‌آموز پایه نهم دبیرستان بر اثر عمل جراحی کیسه صفرا فوت کرد. سیدفؤاد حسینی، مدیر آموزش و پرورش ناحیه یك سنندج به تسنیم گفت: پرستو، دانش‌آموز پایه نهم دبیرستان دخترانه شهید بهمنی ساکن محله عباس‌آباد بر اثر عمل جراحی کیسه صفرا فوت کرد. مجموعه حقوقی آموزش و پرورش، مرگ ناگهانی این دانش‌آموز را پیگیری می‌کند.

آزار و اذیت دختری در بیمارستان

مرد ۲۵ ساله که دختر خردسالی را در محوطه یکی از بیمارستان‌های شهر شیراز مورد آزار و اذیت قرار داده بود، بازداشت شد. به گزارش جام‌جم، سرهنگ کاووس محمدی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان فارس گفت: عصر دوازدهم مرداد امسال مرد ۲۵ ساله‌ای در گوشه‌ای از محوطه باز یکی از بیمارستان‌های شیراز، دختر ۳/۵ ساله را مورد آزار و اذیت قرارداد. متهم فراری بازداشت شد و اعتراف کرد.

بازداشت قاتل بعد از ۲۷ سال فرار

مردی که به اتهام قتل از ۲۷ سال پیش فراری بود در دامداری اطراف شاهرود، بازداشت شد.

سرهنگ علی کریمی، فرمانده انتظامی شاهرود به مهر گفت: متهم پرونده ۲۷ سال قبل در جریان یك نزاع و درگیری در سبزوار، مردی میانسال را با ضربه‌های چاقو را به قتل رسانده بود. سرانجام رد او در یک دامداری روستاهای حاشیه شاهرود به دست آمد و او بازداشت شد. این فرد طی این سال‌ها با هویت‌های جعلی در استان‌های مختلف کشور در رفت و آمد بوده است. متهم ابتدا منکر هرگونه جنایتی شد و گواهی فوت جعلی که به نام قاتل صادر شده بود را نیز ارائه کرد، اما این دروغ او نیز نتوانست وی را نجات دهد و سرانجام اعتراف کرد مرد جوان را بر اثر حادثه تصادف به قتل رسانده است.

مشاوره و قبول وکالت در کلیه دعاوی
اعم از حقوقی و کیفری
مشاوره و قبول وکالت تخصصی
در کلیه دعاوی بانکی
آدرس دفتر تهران: میدان هروی، خیابان شهید موسوی، (گلستان پنجم) بعد از خیابان مکران، پلاک ۱۳۳، طبقه اول، واحد دو
تلفن دفتر تهران: ۲۲۹۶۳۴۴۳ تلفن مدیریت: ۰۹۱۲۶۲۰۹۱۹۶ (سید جمال محمدی)
Hekmatesadra798@gmail.com